

# اصل عدم توجه به ایرادات و استثنای ید بلافصل بر آن

علی بزرگ پور\* - سیمین صلیحی\*\*

## چکیده:

این مقاله کوششی است برای تبیین «اصل عدم استناد به ایرادات» و یکی از استثنائات وارده بر آن که «استثناء ید بلافصل» نام دارد. در این مقاله سعی شده به واسطه ارجاع به قوانین بین‌المللی با محوریت قانون ایران، به‌طور دقیق مینا، مفهوم و قلمرو این اصل و استثنای آن بیان گردد. نظر به اینکه در حقوق ایران با ایده حمایت از مالک مواجه هستیم لذا این اصل در حقوق ایران فاقد دلیل قانونی است پس می‌بایست از دکترین به‌عنوان تنها دلیل برای اثبات این اصل استفاده نمود که قلمرو آن را نیز می‌توان با توجه به کنوانسیون ژنو ۱۹۳۰ تعیین نمود. در بخش پایانی نیز سعی شده با گردآوری آرای متعدد دادگاه‌ها به این اصل و مخصوصاً استثنای مدنظر جلوه قانونی بخشیده شود تا تزلزل موجود رویه قضایی در این خصوص به حداقل رسد.

## کلیدواژه‌ها:

ایرادات، ید بلافصل، سند تجاری، ظهرنویس، مسئولیت تضامنی.

\* دانشجوی دوره دکترای حقوق نفت و گاز، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، پردیس فارابی، قم، ایران، نویسنده

Email: ali.bozorgpour4@gmail.com

مسئول

\*\* کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران،

Email: cgx0936@gmail.com

ایران

## مقدمه

اصولاً مقننین حمایت‌های گسترده‌تری برای اسناد تجاری قائل می‌شوند، زیرا علت وجودی اسناد تجاری آن است که بتوانند جایگزین مناسبی برای پول نقد باشند، لذا طبیعی است که حمایت از این اسناد نیز به صورت گسترده‌تر و جامع‌تری صورت گیرد. یکی از این حمایت‌ها که برای چنین اسنادی در نظر گرفته شده است و وصول چنین اسناد تجاری را تسهیل می‌کند اصل عدم توجه به ایرادات است که مطابق آن دادگاه به ایرادات وارده به سند تجاری توجهی نمی‌کند و خود را فارغ از این مباحث می‌داند هرچند که این ایرادات وارده قوی باشند و غیرقابل انکار، لذا متعهدین اسناد تجاری (اعم از صادرکننده، ظهرنویس و ضامن) نمی‌توانند درمقابل دعوای دارنده سند به ایرادات گوناگونی چون فسخ یا بطلان معامله، تقلب و امثال آن متوسل شوند.

در قانون ما نصی که به صراحت دلالت بر این اصل کند، وجود ندارد ولی دکتین حقوقی و رویه قضایی این نقیصه را جبران نمودند. همان‌طور که می‌دانیم اصل عدم توجه ایرادات مبتنی بر اصل دیگری به نام اصل استقلال امضاءات است و در واقع از آثار این اصل به شمار می‌رود<sup>۱</sup> پس برای درک «اصل عدم توجه به ایرادات» باید قبل از آن به اصل دیگری به نام «اصل استقلال امضاءات» اشاره نمود که مقصود از آن مسئولیت ناشی از سند هر امضاءکننده سند تجاری است؛ اما خود اصل عدم توجه هم در حقوق ما با استثنائاتی روبه‌روست که یکی از این موارد را می‌توان «استثنای ید بلا فصل» دانست.

## ۱- مفهوم اصل و شرایط اجرای آن

### ۱-۱- تعریف اصل، (مبنا و قلمرو)

در این قسمت ضمن توضیح مختصری از این اصل سعی در تبیین جایگاه حقوقی آن داریم، البته همان‌طور که می‌دانیم ارائه تعریفی جامع و شامل از اصل عدم توجه به ایرادات به نسبت سایر اصول حقوقی دشوارتر می‌باشد، لذا سعی بر آن شد که با بررسی‌های مختلف مفهوم این اصل را تبیین نماییم.

۱. الله‌آبادی، «اصل استقلال امضاءها و عدم توجه به ایرادات در اسناد تجاری»، ۲۱.

### ۱-۱-۱- بررسی متون قانونی

همان‌طور که بیان گردید ارائه تعریفی جامع از اصل عدم‌توجه ایرادات دشوارتر از سایر اصول حقوقی است، علت این امر هم عدم‌تصریح قانونگذار به وجود چنین اصلی می‌باشد، یعنی مقنن در قانون صراحتاً نامی از اصل عدم‌توجه به ایرادات نبرده است هرچند می‌توان استدلال نمود که چون این اصل خود ناشی از اصل استقلال امضات بوده لذا ماده ۲۴۹ ضمناً دلالت بر اصل عدم‌توجه به ایرادات نیز دارد.

ماده ۲۴۹ قانون تجارت مقرر می‌دارد که: «برات‌دهنده، کسی که برات را قبول کرده و ظهرنویس‌ها درمقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند. دارنده برات درصورت عدم‌تأدیه و اعتراض می‌تواند به هرکدام از آنها که بخواهد منفرداً یا به چند نفر یا به تمام آنها مجتمعاً رجوع نماید ...» اصولاً دکتترین بر این عقیده‌اند که می‌توان از این ماده اصل استقلال امضات را دریافت، اما برای درک کامل این اصل باید تشریح کرد که هر امضاء در سند تجاری بیانگر تعهدی مستقل نسبت به امضاءهای دیگر است و لذا نشانگر تعهد امضاءکننده آن است مگر در مواردی که به‌موجب قانون بی‌اعتباری آن تشخیص داده شود. در همین خصوص ماده ۷ ضمیمه اول کنوانسیون ژنو چنین بیان می‌دارد که: «در صورتی که برات دارای امضای اشخاصی باشد که فاقد اهلیت برای متعهد ساختن خود از طریق برات هستند یا برات متضمن امضاءهای مجعول باشد یا امضای اشخاص موهوم یا امضاءهایی که به هر دلیل دیگری نتوان امضاءکنندگان آن یا کسانی که از طرف آنها امضاء انجام گرفته است را متعهد نمود، مسئولیت امضاءکنندگان دیگر به اعتبار خود باقی است.»<sup>۲</sup>

همان‌طور که ذکر شد یکی از اصول منشق‌شده از اصل استقلال امضات همان اصل عدم‌توجه به ایرادات است که در ماده ۱۷ کنوانسیون ژنو راجع به برات و سفته اصل مربوطه را به این صورت بیان می‌دارد: «اشخاصی که به‌موجب برات علیه آنها طرح دعوا شده است، نمی‌توانند درمقابل دارنده برات به روابط خصوصی خود با برات‌کش یا با دارندگان قبلی برات استناد کنند؛ مگر آنکه دارنده، هنگام دریافت برات آگاهانه به زیان بدهکار عمل کرده باشد.» اگرچه این ماده درخصوص برات نگاشته شده اما طبق ماده ۲۲ کنوانسیون ژنو راجع به چک که تکرار ماده ۱۷ آن می‌باشد، این‌گونه بیان گشته است که: «امضاءکنندگان چک که علیه

2. "If a bill of exchange bears signatures of persons incapable of binding themselves by a bill of exchange, or forged signatures, or signatures of fictitious persons, or signatures which for any other reason cannot bind the persons who signed the bill of exchange or on whose behalf it was signed, the obligations of the other persons who signed it are none the less valid."

آنها طرح دعوی شده است، نمی‌توانند درمقابل دارنده چک به روابط خصوصی خود با صادرکننده یا با دارندگان قبلی سند استناد کنند، مگر آنکه دارنده هنگام دریافت چک عالمًا به زیان بدهکار عمل کرده باشد.»

همان‌طور که می‌بینیم این ماده اصل را بیان و حدود آن را نیز مشخص می‌کند و حیطة این اصل را چنین ترسیم می‌نماید که صاحبان امضای مورد تعقیب نمی‌توانند در برابر دارنده برات (چک) به روابط شخصی خود به صادرکننده یا دارندگان قبلی برات (چک) استناد نمایند. این اصل در قوانین بسیاری از کشورهای دیگر نیز آمده است؛ همانند ماده ۱۲۱ قانون تجارت فرانسه و مواد ۱۱۴۳ و ۱۱۴۶ قانون تعهدات سوئیس و ماده ۷۹۴ قانون تجارت آلمان که همگی اشاره‌ای به این اصل دارند.

کنوانسیون آنسیترال راجع به برات و سفته بین‌المللی نیز در ماده ۳۰ خود اصل و استثنائات را به‌طور کلی بیان می‌کند که مطابق آن: «شخصی که متعهد و مسئول سند تجاری است، نمی‌تواند در برابر دارنده حمایت‌شده دفاع یا ایرادی را مطرح کند مگر ...»؛ لذا همان‌طور که مشخص است امکان طرح ایراد به دارنده حمایت‌شده امکان‌پذیر نیست مگر در موارد خاص، البته لازم به ذکر است که در تفاسیری که آنسیترال منتشر نموده میان دارنده حمایت‌شده و دارنده معمولی تفاوت قائل گشته است که آثار آن را در همین حمایت‌های گسترده‌تر از دارنده حمایت‌شده خواهیم دید، اگرچه اصل بر آن است که دارنده، دارنده حمایت‌شده است، مگر خلاف آن ثابت گردد.»<sup>۳</sup>

#### ۱-۱-۲- دکتربین

باتوجه به اینکه قانون تجارت ایران ترجمه‌ای از قانون کشور فرانسه بوده و همان‌طور که اشاره شد، توجه دقیقی به این اصل در متون قانونی نگردیده است، مفسران حقوقی با تفسیری موسّع از ماده ۲۴۹ قانون تجارت سعی در اثبات این اصل دارند زیرا معتقدند که ایجاد قواعد حاکم بر ظهرنویسی، مسئولیت تضامنی و قبولی و آثار آن بدون پذیرش ضمنی این اصل ممکن نیست.<sup>۴</sup> برخی از اساتید و دکتربین حقوقی نیز در ارتباط با این اصل چنین نظر دارند که: اسناد تجاری به‌تنهایی خود نشانگر طلب صاحب آن می‌باشند و دیگر روابط

3. The Secretariat of the UNCITRAL, "Explanatory Note by UNCITRAL Secretariat on the United Nations Convention on International Bills of Exchange & Promissory Notes," 45.

۴. برزش‌آبادی، «جایگاه اصل عدم‌توجه به ایرادات اسناد تجاری در حقوق ایران با لحاظ کنوانسیون آنسیترال راجع به برات و سفته بین‌المللی»، ۱۲۸.

حقوقی که میان امضاءکنندگان سند موجود است، نمی‌تواند بر حقوق صاحب سند مؤثر باشد.<sup>۵</sup> عده‌ای نیز بر این اساس که تعهد براتی از تعهد حاصل از معامله اصلی جداست، استدلال می‌کنند که متعهد برات درمقابل دارنده نمی‌تواند متوسل به ایرادات شود یعنی آنکه متعهد برات، سفته و یا چک به علت امضای این اسناد درمقابل دارنده متعهد می‌شود و درمقابل او نمی‌تواند به روابط شخصی خود با انتقال‌دهنده سند استناد کند زیرا رابطه میان براتگیر و براتکش به دارنده، ارتباطی پیدا نمی‌کند.<sup>۶</sup> در همین خصوص برخی اساتید نیز معتقدند، باتوجه به آنکه انتقال برات ذیل تعریف انتقال طلب قرار نمی‌گیرد پس دارنده برات می‌تواند از مزایای بیشتری که قانون تجارت در اختیارش قرار داده، استفاده نماید<sup>۷</sup> که به نظر، یکی از این موارد اصل عدم‌توجه ایرادات است که هرچند در قانون ما صراحتاً ذکر نشده ولی با استناد به مقبولیت عام این اصل میان علمای حقوق و ذکر در ماده ۱۷ کنوانسیون ژنو، آن را اثبات شده تلقی می‌کنند و تلاش برای استخراج این اصل از لابه‌لای متون قانونی را بی‌حاصل می‌دانند<sup>۸</sup>، پس اصل عدم‌قابلیت استناد به ایرادات به دارنده قانونی برات اجازه می‌دهد تا از ایراداتی که خواننده دعوای برات می‌توانست به استناد آنها از پرداخت معاف گردد، مصون باشد.

لذا می‌توان نتیجه گرفت که: «نتیجه طبیعی اصل استقلال امضاء این است که ادعاهایی که هر یک از امضاءکنندگان قبلی علیه یکدیگر درمورد معاملات که با هم انجام داده‌اند، دارند، بر حقوق دارنده سند تأثیری نگذارد.»<sup>۹</sup>

درخصوص مبنای وجودی اصل عدم‌توجه به ایرادات از نظر برخی می‌توان اشاره به نظریه ظاهر نمود زیرا در تقابل منافع مالک حقیقی و اعتمادکننده به ظاهر حمایت از شخص اخیر باتوجه به مصالح اقتصادی مناسب به نظر می‌رسد<sup>۱۰</sup> اما برخی اساتید با این نظر مخالف بوده و معتقدند که نمی‌توان صرفاً اعتماد به ظاهر را مبنایی برای اصل عدم‌قابلیت استناد به ایرادات دانست، زیرا اگر چنین مبنایی را بپذیریم باید حمایت از دارنده سند را بر مالک حقیقی آن

۵. اخلاقی، جزوه درسی حقوق تجارت، ۲۸.

۶. اسکینی، حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک)، ۸۳.

۷. ستوده، حقوق تجارت، ۷۷.

۸. کاویانی، حقوق اسناد تجاری، ۱۴۳.

۹. خزائی، حقوق تجارت، ۳۳.

۱۰. نوری، «اصل عدم‌قابلیت استناد به ایرادات در اسناد تجاری»، ۱۶۶.

ترجیح دهیم که در این صورت بدیهی است که در مورد گیرنده مطلع از روابط دارندگان قبلی سند، اعتماد به ظاهر موضوعاً منتفی خواهد بود و فلسفه وجودی حمایت از دارنده چنین فرضی را شامل نمی‌شود.<sup>۱۱</sup>

## ۱-۲- شریای اجرای استثناء

پس از بررسی اصل موجود در متون قانونی و بررسی نظرات عالمان حقوق در این قسمت به تعریف از یکی از استثنائات این اصل خواهیم پرداخت که ضمن تعریف از این استثناء، نظرات مختلف حقوقی مرتبط با آن را نیز تشریح خواهیم نمود.

### ۱-۲-۱- مفهوم استثناء و بررسی آن طبق متون قانونی و دکترین

یکی از استثنائات این اصل، استثنای ید بلافصل می‌باشد که منظور از آن این است که اگر متعهد سند تجاری با دارنده مستقیماً رابطه معاملاتی داشته و سند تجاری بر مبنای رابطه معاملاتی بین آن دو صادر شده باشد، متعهد سند می‌تواند متوسل به ایراداتی شود که به رابطه معاملاتی آنها مربوط می‌شود. البته ایرادات موجود ممکن است دارای مصادیق گوناگونی چون سقوط تعهد به علت از بین رفتن منشأ صدور سند، بطلان قرارداد پایه و ... باشد.

این استثناء از انواع استثنای تخصصی است و نه تخصیصی، بدین معنا که استثناء باعث خارج شدن از اصل قاعده می‌گردد به این دلیل که این ایراد مربوط به ایادی و روابط پیشین نیست که قابل طرح در برابر دارنده نباشد و حال، استثناء گردد بلکه به عنوان مثال ایراد مربوط به روابط معاملاتی صادرکننده با دارنده است لذا از خود اصل خارج می‌گردد. همان‌طور که پیشتر نیز بیان گردید حکمت اصلی این قاعده، ایجاد اعتماد بیشتر نسبت به اعتبار این اسناد است؛ زیرا اگر بنا بود که متعهد سند، توانایی استناد به ایرادات دست‌های پیشین در برابر دارنده کنونی را داشته باشد، دیگر هیچ اطمینانی به وصول دین باقی نمی‌ماند و تجار می‌کوشیدند تا از پذیرش این اسناد خودداری نمایند که تالی فاسد آن نیز عدم بهره‌مندی جامعه از به گردش درآمدن چنین اسنادی می‌بود، اما باید به این نکته نیز توجه نمود که نمی‌توان در هر حالتی برای جلب اعتماد بیشتر در بازار هیچ‌گونه ایرادی را به این اصل وارد

۱۱. کاویانی، «اصل عدم قابلیت استناد به ایرادات در مقابل دارنده با حسن نیت سند تجاری»، ۱۱۳.

ندانست زیرا همان طور که دیدیم مواردی وجود دارد که با اصل منطبق نبوده فلذا باید آنها را ذیل استثنائات قرار داد.

همان طور که می دانیم در قوانین بین المللی نیز موادی مرتبط با اصل قاعده وجود دارد، اما باید دید که آیا هیچ یک از این قوانین استثنائات این قاعده را بیان نمودند یا خیر؟ برای پاسخ به این سؤال باید به متون این قوانین رجوع کرد، در کنوانسیون ژنو در هر سه ماده ۱۷، ۲۲ و ۷۷ آن که به ترتیب در رابطه با برات، چک و سفته می باشد استثنای اصل مذکور را خلاصتاً صرفاً محدود به آن نمود که «... دارنده هنگام دریافت چک (برات، سفته) عالماً به زیان بدهکار عمل کرده باشد» که همان طور که از نظر گذشت مفهوم روشنی از آن ماده دریافت نمی شود و به نظر نمی توان استثناء را به خوبی درک نمود چرا که نوعی ابهام در مفهوم عبارت «روابط خصوصی» (شخصی) در ماده وجود دارد و از مفهوم مخالف این تعریف، این نتیجه به دست می آید که ایرادات ناشی از روابط فاقد وصف خصوصی، قابل استناد خواهد بود لذا تمییز میان روابط خصوصی از سایر روابط واضح نیست، هر چند در توضیح آن می توان اشاره نمود که منظور از روابط شخصی، در اینجا شامل تمام روابط معاملاتی است که موجب صدور یا انتقال سند خواهد شد و البته اموری چون پرداخت وجه برات (چک)، تبدیل تعهد، تهاتر که میان صاحبان امضاء یا صادرکننده با ایادی قبلی واقع می شوند را در بر می گیرد. لذا فقط، ایراداتی قابل استناد نیستند که مربوط به روابط شخصی بوده باشند، پس اگر ایرادی مربوط به خود سند یا تعهد براتی باشد مانند جعل امضاء در مقابل دارنده قابل استناد است.<sup>۱۲</sup> بر همین اساس عده ای از متن ماده ۱۷ کنوانسیون ژنو و به تبع از تعریف بالا چنین استنباط می کنند که ایرادات صرفاً در مقابل ایادی مستقیم قابل استناد است نه ایادی غیر مستقیم.<sup>۱۳</sup>

اما قانون دیگری که در این زمینه می تواند به عنوان منبعی مهم در نظر گرفته شود، قانون آنسیترا ل است که به نسبت کنوانسیون ژنو از ابهام کمتری برخوردار است و در ماده ۳۰ خود استثنائات این اصل را واضح تر بیان نموده که در بند ب این ماده می بینیم:

ب) دفاعیات مبتنی بر مبادله و معامله بین او و دارنده یا ناشی از هر عمل متقلبانه از ناحیه چنین دارنده ای در تحصیل امضای سند از آن شخص؛ ...

۱۲. دمرچیلی، حاتمی و قرایی، *قانون تجارت در نظم حقوق کنونی*، ۵۲۱.

۱۳. نوری، پیشین، ۱۶۴.

در این بند شاهد آن هستیم که این استثناء دربرگیرنده روابط دارنده با ید بلافصل خواهد شد. هرچند باتوجه به این اسناد باز هم تفکری جدید درحال شکل‌گیری است که معتقد است امکان توسل به ایرادات در ایادی بلافصل نیز امکان‌پذیر نیست.<sup>۱۴</sup>

#### ۱-۲-۲- اختلاف نظر در خصوص عدم یا وجود استثناء

همان‌طور که می‌دانیم در خصوص وجود یا فقدان این استثناء میان حقوق‌دانان اختلاف نظر وجود دارد، به این شکل که عده‌ای در احصاء استثنائات اصل عدم‌توجه ایرادات از ید بلافصل نامی نبردند و درمقابل عده‌ای از این استثناء یاد می‌کنند؛ اما واقعاً مبنای چنین اختلاف‌نظری چیست و آیا راه‌حل و یا رویه قضایی ثابتی در خصوص این تعارض وجود دارد یا خیر؟ به نظر می‌رسد جدایی سند تجاری از تعهد پایه می‌تواند مبنایی برای چنین اختلاف‌نظری باشد، فی‌الواقع می‌توان در این حوزه دو گروه را از یکدیگر تمییز داد، عده‌ای که در تفکیک و جداسازی سند تجاری از دین منشأ آن به‌حدی دچار افراط شده‌اند که ایرادات مربوط به تعهد پایه را حتی در رابطه مستقیم طرفین آن نیز مسموع ندانسته‌اند که علت این امر را از نظر آنها می‌توان سقوط تعهد مدنی و تبدیل آن به تعهد تجاری دانست از طرفی هم عده‌ای به جدایی نسبی معتقدند یعنی، ایرادات مربوط به تعهد پایه تنها در روابط مستقیم و بلافصل طرفین سند تجاری مورد‌استماع قرار می‌گیرد و اطلاق خود را از دست خواهد داد در واقع از نظر آنان سند صرفاً یک وسیله پرداخت است نه چیزی بیشتر لذا هرچه بر هدف تأثیرگذار باشد بر وسیله نیز مؤثر است پس اگر هدف از بین رود، باقی ماندن سند نزد دارنده راه به جایی نخواهد برد.<sup>۱۵</sup> البته می‌توان قائل بر این بود که ید بلافصل اصلاً از حسن نیت برخوردار نمی‌باشد تا بتوان اصل عدم‌قابلیت استناد ایرادات را درمورد آن اجرا نمود زیرا جوهره اصلی حسن نیت عدم‌آگاهی و اعتماد دارنده نسبت به چنین ایراداتی است لذا بدیهی است که در ایادی بلافصل حسن نیت در این معنا وجود نخواهد داشت<sup>۱۶</sup> پس چون در رابطه ایادی بلافصل طرفین از مسائل شخصی فی‌مابین خود مطلعند، حسن نیت زیر سؤال می‌رود.<sup>۱۷</sup> اگر بتوان به این نظر پایبند بود به‌نظر ما اختلاف موجود صرفاً اختلافی است نظری زیرا استثناء

۱۴. دمرچلی، حاتمی و قرایی، پیشین، ۵۲۱.

۱۵. جنیدی، شریعتی‌نسب، «وصف تجریدی در حقوق ایران با تکیه بر رویه قضایی»، ۱۰.

۱۶. کاویانی، «اصل عدم‌قابلیت استناد به ایرادات درمقابل دارنده با حسن نیت سند تجاری»، ۱۱۵.

۱۷. مسعودی، «اصول حاکم بر اسناد تجاری»، ۱۱۳؛ کرم‌نژاد، «اصول حاکم بر اسناد تجاری»، ۱۰۳.



ید بلافصل چیزی جز استثنای عدم‌حسن نیت نیست در واقع اگر ما بخواهیم این نظر را موردپذیرش قرار دهیم که علت استثناء بودن ید بلافصل فقدان حسن نیت در دارنده آن است، پس باید نتیجه گرفت که ید بلافصل به‌خودی‌خود استثنای مستقلی محسوب نمی‌شود بلکه ریشه در استثنائی دیگر دارد پس اختلاف در وجود یا فقدان این استثناء از این دیدگاه واهی به‌نظر می‌رسد، اما، نقدی بر این نظر وارد است و آن هم اینکه ما می‌بایست در این موارد اصل را بر حسن نیت قرار دهیم و خلاف آن را ثابت نماییم مگر آنکه در این دیدگاه فقدان حسن نیت در ایادی بلافصل را مفروض انگاریم که البته بعید به‌نظر می‌رسد مگر آنکه عرفاً بتوان قائل به آگاهی ید بلافصل بود.

برخی نیز معتقدند که باتوجه‌به قوانین بین‌المللی در وجود استثنای ید بلافصل تردیدی نیست اگرچه در مصادیق آن اختلاف هست.<sup>۱۸</sup> باتوجه‌به این موارد به‌نظر می‌توان دو مبنا را برای استثنای ید بلافصل در نظر داشت. اول، آنکه حقوق تجارت برای حمایت از حقوق اشخاص ثالث در تلاش است پس طبیعی است که در روابط شخصی دارنده و ید قبلی خود ایراد را وارد بدانیم زیرا شخص ثالثی در میان نیست تا به نفع او به ایرادات توجه نکنیم؛ دوم آنکه، همان‌طور که از نام این اصل مشخص است اصل موجود عدم‌توجه ایرادات در روابط شخصی موردپذیرش است پس دلیلی ندارد که ایادی بعدی را از استناد به ایرادات در روابط شخصی میان خود و ید مستقیمشان نه روابط شخصی پایه ممنوع کنیم. ضمن آنکه اصل عدم‌توجه به ایرادات خود استثنائی بر اصول کلی حقوق مدنی است زیرا در حقوق مدنی امکان استناد به ایرادات در همه حالات وجود دارد و اصل عدم‌توجه ایرادات به‌منظور شرایط تجاری موجود در حقوق تجارت وضع گردید، لذا زمانی که این اصل، خود با استثناء روبه‌رو گردد باید به قواعد کلی و همان قواعد حقوق مدنی بازگردیم که امکان استناد ایراد وجود دارد که در ید بلافصل این امر به‌وضوح قابل‌درک است. در پایان نیز باید اشاره نمود که رویه قضایی ایران بیشتر قائل به استثناء بودن ید بلافصل می‌باشد که آرای مربوط به آن را در قسمت‌های بعد مطالعه خواهیم نمود.

۱۸. کاویانی، «اصل عدم‌قابلیت استناد به ایرادات درمقابل دارنده با حسن نیت سند تجاری»، ۱۱۶.

## ۲- بررسی روبه قضایی

۱- در رأی شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۴۱۹۰۰۲۳۴ در یکی از شعب دادگاه عمومی حقوقی تهران دعوی مطرح شد که خواهان طی دادخواستی وجه یک فقره چک و خسارات ناشی از تأخیر به انضمام خسارات دادرسی را مطالبه نمود. نظر به اینکه چک توسط مدیرعامل شرکت صادر شده بود لذا دعوی به طرفیت شرکت و شخص مدیر به خواسته محکومیت تضامنی آنها مطرح شد. وکیل خواندگان در دفاع از دعوای مطروحه با ارائه یک فقره توافقنامه کتبی میان خواندگان و خواهان ضمن ایراد به دعوای خواهان دفاع نمود که چک مزبور بابت تضمین اجرای تعهدات توسط موکل صادر شده و در اختیار خواهان قرار گرفته و به موجب این توافقنامه کتبی وصول وجه چک منوط به حصول شرایطی است و مادامی که شرایط مقرر میان طرفین حاصل نشود چک مزبور توسط خواهان قابل مطالبه نیست. لذا به صراحت توافق طرفین در مدت تضمین چک مزبور امانی نزد خواهان باقی مانده است و قبل از حصول شرایط مقرر طرفین خواهان استحقاق مطالبه وجه چک را ندارد. شایسته توضیح است که خواهان به عنوان ضامن شرکت، تسهیلات دریافتی شرکت خوانده را ضمانت نموده بود. ماحصل توافقنامه کتبی میان خواهان و خواندگان که مورد استناد وکیل خوانده قرار گرفت، این بود که یک فقره چک بابت تضمین امانتاً در اختیار آقای ایرج قرار گرفته تا چنانچه بانک کل مطالبات خویش از شرکت را از حساب شخصی ایرج وصول نمود و خواندگان از انجام تعهدات خود در قبال بانک امتناع نمودند، خواهان حق داشته باشد از محل چک مزبور دیون پرداخت شده را وصول نماید.

دادگاه نیز بر اساس قرائن موجود در پرونده و با مشاهده شرایط آن چنین رأی داده است که «باتوجه به اینکه طبق اقرار خواهان وصول مبلغ چک مذکور منوط به تحقق شرایطی از جمله پرداخت کل تسهیلات دریافتی از بانک ... شعبه ... می باشد و با استعلام به عمل آمده از شعبه مذکور در پاسخ به استعلام اعلام نموده که خواهان و شرکت مبلغ ۹۵۱,۲۶۸,۸۳۷,۳۸۱ ریال بابت تسهیلات دریافتی از بانک، بدهکار می باشد؛ بنابراین باتوجه به اینکه توافق طرفین مبنی بر مشروط نمودن وصول چک‌ها به پرداخت کل تسهیلات دریافتی از بانک بین آنان لازم‌الرعايه می باشد و بنابه اعلام بانک، خواهان مبالغ سنگینی به بانک بدهکار می باشد لذا قبل از پرداخت کل مطالبات بانک، خواهان حق مطالبه وجه چک موضوع دعوا را نداشته و به نظر این دادگاه در حال حاضر موجبی برای محکومیت خواندگان به پرداخت اصل و خسارت چک مذکور وجود نداشته و این

دادگاه دعوا را بلاوجه تشخیص داده و مستنداً به مواد ۱۰، ۲۱۹ و ۲۲۰ قانون مدنی و ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی حکم بر بی‌حقی خواهان صادر و ...» همان‌طور که در شرح دادنامه دیدیم خواهان خود در اقراری که مورد تأیید خودش نیز بود بیان نمود که این چک نزد او امانت بوده تا زمانی که بتواند بدهی خود به بانک را بپردازد؛ اما اشاره به نکته‌ای مهم به‌نظر می‌رسد و آن هم اینکه ایشان چک را به‌طور مستقیم از آقای اصغر - ش دریافت نمودند، لذا می‌توان دریافت که خواهان یعنی آقای ایرج - ر ید مستقیم آقای اصغر بودند و مطابقاً خواستار پرداخت چکی از جانب ایشان بودند که با عدم‌پرداخت مواجه می‌شود و درنهایت خوانده استناد به وجود اقرارنامه‌ای می‌کند که منتسب به آقای ایرج است که در آن اقرارنامه، ایشان چنین می‌نویسند: «اینجانب ایرج - ر بدین‌وسیله اقرار می‌نمایم که چک‌های فوق به مبلغ ۱۳۹۶۰۰۰۰۰۰۰ ریال و ۱۹۵۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال به‌صورت امانی نزد اینجانب می‌باشد که بابت تضمین پرداخت ۴۰٪ سهم آقای اصغر - ش از بابت تسهیلات بانک تجارت کد ۳۰۶ خرید مواد اولیه بوده و چنانچه از حساب شخصی خود کل تسهیلات دریافتی را به بانک پرداخت نمایم چک‌های فوق قابل‌وصول می‌باشد.» این اقرارنامه به تأیید آقای ایرج می‌رسد؛ اما سؤال اصلی اینجا مطرح می‌شود که آیا ایراد خوانده به خواسته خواهان و ارائه اقرارنامه صحیح است یا خیر؟ اصلاً آیا قاضی دادگاه می‌تواند اجازه ورود ایراد را بدهد یا خیر؟ برای پاسخگویی به این سؤالات باید بررسی نمود که آیا در این مورد اصل عدم‌توجه به ایرادات کارساز خواهد بود یا امکان استناد به آن وجود ندارد؟.

باتوجه به رأی قاضی و باتوجه به اینکه خواهان خود اقرار به امانی بودن چک‌ها نمود، می‌توان چنین ایراد کرد که اگرچه در این زمینه قاعده‌ای وجود دارد که خوانده را از بیان ایراد به اسناد تجاری منع می‌کند اما می‌بایست این را نیز در نظر گرفت که یکی از استثنائات اصل عدم‌توجه ایرادات که از آن سخن به‌میان آوردیم را می‌توان در این پرونده مشاهده نمود زیرا خواهان ید بلافصل (مستقیم) سند تجاری می‌باشد، پس ادعای خوانده در رابطه با مشروط بودن چک برای قابل‌وصول بودن آن وارد است زیرا می‌توان از استثنای اصل عدم‌توجه ایرادات که آن را ثابت نمودیم، استفاده کرد تا خوانده بتواند ایراداتی در خصوص تعهدات پایه سند تجاری را بیان کند که این امر خود باعث ایجاد انقلاب دعوا در پرونده خواهد شد به این نحو که اکنون خوانده در مقام خواهان جلوه می‌کند زیرا استثنای این قاعده با او یار است و درواقع اکنون خوانده است که مطابق اصل

حرف می‌زند و قاضی باید به ایرادات او توجه کند و پس از بررسی آن حکمی صادر نماید. در واقع تمامی شرایط برای ایجاد و اجرای استثناء قاعده مہیاست؛ زیرا هم ایراد وارد شده ایرادی شخصی است که البته مربوط به ید مستقیم است و هم اینکه این چک به گردش در نیامده بود تا مانع اجرای استثنای قاعده گردد.

همان‌طور که در پرونده هم قابل مشاهده است اشاره‌ای به این اصل یا استثنای آن نگردید که به نظر می‌رسد قاضی این پرونده چنین امری را بدیهی می‌دانستند، لذا همین‌جا می‌توان پاسخ ابهام قسمت قبل را نیز بیان نمود که در وجود و اجرای استثنای ید بلافصل در اسناد تجاری و مطابقاً آرای محاکم یا به‌طور خلاصه در رویه قضایی تردیدی نیست و تمامی قضاوت و وکلا تقریباً به آن معتقدند و همان‌طور که بیان شد، اگر ابهامی نیز باقی بماند صرفاً این ابهام جنبه نظری دارد و نه عملی؛ به همین دلیل هم در ادامه، آرای مشابهی را ذکر می‌کنیم تا رویه قضایی به‌صورت بهتری درک گردد.

۲- رأی دوم مربوط به پرونده‌ای است که قاضی دادگاه استثنائات اصل عدم توجه ایرادات را نام می‌برد؛ هرچند که استثنای ید بلافصل را در این پرونده قبول ندارد اما به‌طور کلی از آن به‌عنوان استثنائی در حکم خود یاد می‌کند. موضوع پرونده مربوط است به یک فقره چک که خواهان خواستار پرداخت وجه چک بوده ولی خوانده نسبت به چک مورد نظر ادعای جعل و تردید می‌کند. در نهایت دادگاه در حکم خود چنین رأی می‌دهد که «در خصوص مطالبه وجه یک فقره چک به شماره ۵۸۷۲۵۳ به سر رسید ۱۳۸۸/۰۴/۰۸ عهده بانک ملی ایران شعبه کلاله به انضمام خسارت دادرسی و حق الوکاله وکیل و خسارت تأخیر تأدیه لازم است، جهت روشن شدن موضوع اظهارات طرفین و قواعد حاکم دقیقاً تحلیل شود.» ۱. در اسناد تجاری وصف تجریدی و اصل عدم قابلیت استناد به ایرادات حاکم می‌باشد، بدین معنا که ایراد به روابط پایه‌ای بین صادرکننده و دارنده اولی یا ظهرنویس‌های ماقبل حقوق دارنده با حسن نیت را زایل نمی‌نماید؛ اما این اصل سه استثناء مهم دارد: الف) ایراد تحصیل مغرضانه یا مجرمانه؛ ب) ایراد به عیوب شکلی؛ ج) ایراد در روابط بلافصل؛ در پرونده حاضر خواهان، ثالث تلقی می‌شود، حقوق وی نسبت به محل چک ناشی از سند تجاری می‌باشد، لذا رابطه بین صادرکننده (خواننده دعوی) با دارنده (خواهان) از نوع روابط بلافصل نمی‌باشد، لذا صرفاً دو ایراد قابلیت استماع را دارد. وکیل خواننده دعوی مدعی تحصیل مجرمانه چک از طریق جعل مفادی شده است و طرح دعوی از ناحیه خواهان را استفاده از سند مجعول تعبیر می‌نماید. حال باید بررسی

نمود که این ادعا مقرون به‌واقع و قابل‌رسیدگی است یا خیر؟ ... ۳. چون ادعای جعلیت مفادی قابل‌پذیرش نمی‌باشد و از سویی ادعای تردید و انکار که در صورت‌جلسه دادرسی از سوی وکیل خوانده عنوان شده با اقرار به انتساب امضاء در معنای حقوق به‌کار نرفته است، تکلیفی برای محکمه ایجاد نمی‌نماید و ادعای پرداخت قسمتی از دین و عدم‌زیادی تعهد به میزان مندرج در چک نیز صرفاً در روابط بلافصل قابل‌استناد بوده و درمقابل خواهان که ثالث با حسن نیت تلقی می‌شود، ایراد پرداخت یا عدم‌زیادی دین قابل‌استناد نمی‌باشد؛

۳- در رأی شماره ۳۸۸ و ۳۸۹-۷۲ مورخ ۱۳۷۲/۰۸/۱۰ شعبه ۲۸ دادگاه حقوقی تهران ضمن عدم‌پذیرش ایرادات بین صادرکننده چک و ظهرنویس در قبال دارنده چک، به این امر اشاره شده است که ایرادات در رابطه بلافصل بین طرفین قابل‌رسیدگی است. در متن رأی دادگاه چنین آمده است که «... و چون خواهان دعوی اصلی دارنده اولیه چک مزبور نبوده بلکه این چک از طریق ظهرنویسی به وی واگذار شده، لذا به‌لحاظ عدم‌وجود رابطه پایه‌ای یا معاملاتی بین وی و صادرکننده چک (خوانده دعوی اصلی) اگرچه درمقابل دارنده اولیه آن قابلیت طرح و عنوان و توجه را داشته ولی درمقابل خواهان دعوی اصلی باتوجه‌به مجموع مقررات اسناد تجاری قابل‌استناد نبوده و درنتیجه مراتب ادعایی خوانده و مدافعات وی درزمینهٔ چگونگی صدور چک مستند دعوی و معامله‌ای که چک مذکور در ارتباط با آن صادر گردیده و عدم‌استحقاق دارنده اولیه در انتقال چک ... مؤثر در مقام نیست...»<sup>۱۹</sup>

### نتیجه

باتوجه‌به توضیحاتی که در این مقاله بیان گردیده است می‌توان چنین استنباط نمود که اگرچه در قانون ما به‌صراحت بحثی تحت عنوان «اصل عدم‌توجه ایرادات» وجود ندارد ولی باتوجه‌به ذات حقوق تجارت که تسهیل و تسریع در امور تجاری است و با در نظر گرفتن قوانین بین‌المللی تجاری نه‌تنها می‌توان این اصل را در وضعیت کنونی مورد‌پذیرش قرار داد بلکه باید از آن به‌عنوان یکی از اصول اساسی یاد نمود که در رویه قضایی ما کاملاً پذیرفته شده و درحال اجراست، اما باید دانست که این اصل در مواردی با محدودیت روبه‌روست و همان‌طور

۱۹. برای دیدن آرای بیشتر نک: دمرچیلی، حاتمی و قرایی، قانون تجارت در نظم حقوق کنونی.

که یک اصل فقهی بیان می‌دارد «ما من عامٍ اِلَّا وَ قَدْ خُصَّ» لذا وقتی ما اصلی را پذیرفتیم منطقی به نظر نمی‌رسد که از توابع یا استثنائات آن چشم‌پوشی کنیم لذا دکتربین حقوقی باتوجه‌به منبع و منشأ این اصل که قوانین تجاری بین‌المللی بود در پی شناسایی استثنائات این اصل برآمدند که یکی از این استثنائات، استثنای «ید بلافصل» نام دارد که تقریباً مورد پذیرش اکثر دکتربین و رویه قضایی نیز قرار گرفت؛ در این پرونده‌ها نیز به‌وضوح، وجود این استثناء به چشم می‌خورد زیرا دارنده سند تجاری ید مستقیم متعهد است و می‌تواند ایرادات مربوط به چک را بیان دارد و قاضی نیز ملزم است تا ابتدا ایرادات وارده را بررسی نماید و سپس حکم مربوطه را صادر نماید یا در صورت سکوت طرفین قاضی باتوجه‌به رویه قضایی موجود حکم پرونده را مشخص نماید. البته باید توجه داشت که در لایحه قانون تجارت جدید به این اصل توجه شده است و موادی هم به این اصل و استثنائات آن اختصاص داده شده است که به نظر می‌رسد از نکات مفید و قابل توجه در لایحه جدید قانون تجارت است.



## فهرست منابع

## الف) منابع فارسی

- اخلاقی، بهروز. *حقوق تجارت*. جزوه درسی دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
- اسکینی، ربیعا. *حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک)*. چاپ سوم. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۶.
- الله‌آبادی، کمال. «اصل استقلال امضاءها و عدم‌توجه به ایرادات در اسناد تجاری». *فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری* ۱۰ و ۱۱ (۱۳۷۷): ۲۶-۷.
- برزش‌آبادی، حمزه. «جایگاه اصل عدم‌توجه به ایرادات اسناد تجاری در حقوق ایران با لحاظ کنوانسیون آنسیترال راجع به برات و سفته بین‌المللی». *فصلنامه گفتمان حقوقی دانشگاه علوم اسلامی رضوی* ۱۹ و ۲۰ (۱۳۹۰): ۱۴۸-۱۲۳.
- جنیدی، لعیا، صادق شریعتی‌نسب. «وصف تجریدی در حقوق ایران با تکیه بر رویه قضایی». *فصلنامه حقوق* ۴۳ (۱) (بهار ۱۳۹۲): ۱۶-۱.
- خزائی، حسین. *حقوق تجارت*. جلد سوم. چاپ اول. تهران: انتشارات قانون، ۱۳۸۵.
- دمرچیلی، محمد، علی حاتمی و محسن قرائی. *قانون تجارت در نظم حقوق کنونی*. چاپ نوزدهم. تهران: انتشارات دادستان، ۱۳۹۲.
- ستوده، حسن. *حقوق تجارت*. جلد سوم. چاپ بیستم. تهران: انتشارات دادگستر، ۱۳۹۰.
- کاویانی، کوروش. «اصل عدم‌قابلیت استناد به ایرادات درمقابل دارنده با حسن نیت سند تجاری». *رساله دکتری، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷*.
- کاویانی، کوروش. *حقوق اسناد تجاری*. چاپ سوم. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۹.
- کرم‌نژاد، اویس. «اصول حاکم بر اسناد تجاری». *دوفصلنامه کانون وکلای دادگستری گیلان* ۷ (بهار و تابستان ۱۳۹۱): ۱۰۶-۹۶.
- مسعودی، بابک. «اصول حاکم بر اسناد تجاری». *فصلنامه کانون وکلای* ۱۷۱ (۱۳۷۹): ۱۳۱-۱۰۱.
- نوری، حسن. «اصل عدم‌قابلیت استناد به ایرادات در اسناد تجاری». *مجله تخصصی الهیات و حقوق* ۱۳ (۱۳۸۳): ۱۷۶-۱۵۷.
- نیک‌فرجام، کمال. «معامله اسناد تجاری و تبدیل تعهد». *فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری* ۳۲ و ۳۳ (۱۳۸۳): ۱۳۱-۱۱۵.

## ب) منابع انگلیسی

The Secretariat of the United Nations Commission on International Trade Law (UNCITRAL). "Explanatory Note by UNCITRAL Secretariat on the United Nations Convention on International Bills of Exchange & Promissory Notes." Vienna: Vienna International Centre, 1982.